

تاریخچه‌ی مسئله‌ی تغییر خط در ایران معاصر از آغاز تاکنون*



▲ کاظم استادی

پژوهشگر هنر و سرپرست دانشنامه‌ی خط. از وی تاکنون مقالاتی با عنوان «استفتائات پیرامون تغییر خط»، «روزنامه‌ی اختر و تغییر خط فارسی»، «ملکم خان و خطوط آدمیت» و... منتشر شده است.

حروف را باید جدا کرد.
با اتصال حروف، به جهت چاپ یک صفحه، ششصد شکل لازم است. با جدایی حروف، به جهت چاپ هر کتاب، فقط چهل شکل کاملاً کافی خواهد بود.
با اتصال حروف، شخصی که می‌خواهد تحصیل سواد بکند، باید چندین هزار شکل یاد بگیرد و برای ارتباط آن‌ها، چندین سال معطل بشود. با جدایی حروف، هرکس سی چهل شکل یاد بگیرد، صاحب سواد خواهد بود. جدایی حروف هیچ خللی به سواد ما و به دین ما و به کمالات ما نمی‌رساند.
حروف را باید جدا کرد.^۱
حروف را چطور می‌شود جدا جدا نوشت؟
همین‌طور که بعضی مضامین را مجبوراً به هر خطی که دارید، جدا جدا می‌نویسید.

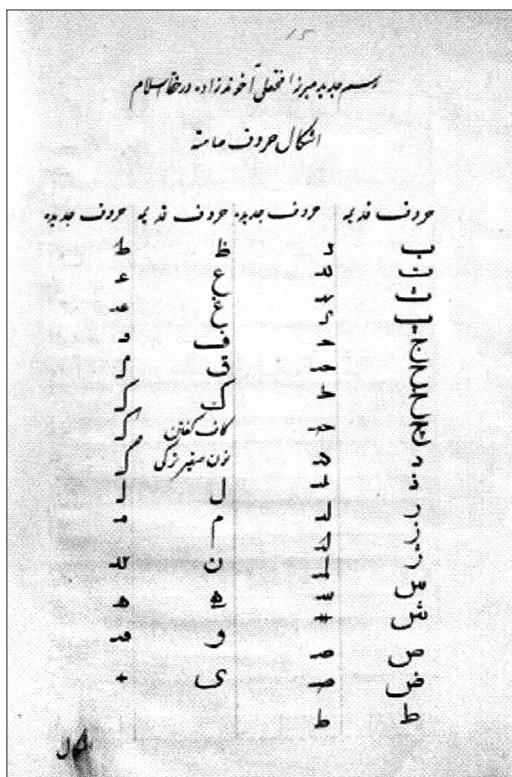
(ص ۴۷)
مثلاً: در دوران داوود آه و زاری زُوار روح و دل دارای آن اوان را درد آورد، آواز و آوآد داوود درد دل آن داور را در دو روز دوا و روح زُوار را از آزدن زورآوران آن اوان آرام داد.
مثل دیگر:
داور روزی ده، در روز اول، آدم را روح و ادراک و اراده‌ی آزاد داد و در ازای ذل و زاری او، از روی رأی رأوف، دل او را در ازدواج زن و رزق او را در زرع ارض و روان او را در درود رب ودود آرام و دوام داد.^۲
ملکم خان حداقل چهار اثر پیرامون اصلاح و تغییر خط فارسی دارد که در همه‌ی آن‌ها، بیشتر به موضوع جدانویسی خط فارسی اهمیت داده و به آن پرداخته است و خطی نیز که اختراع کرده، شاخصه‌اش جدانویسی آن است.^۳
پس از ملکم خان، جدای از خطوط لاتینی که عده‌ای برای خط فارسی تدارک دیده بودند، خط‌های جدانویسی ابداعی دیگری نیز توسط برخی فعالان اصلاح خط فارسی طراحی شد،^۴ ولی هیچ‌کدام به سرانجام نرسید.

در دوره‌ی دوم، از حدود سال ۱۳۰۰ تا ۱۳۳۰، یعنی طی سی سال و هم‌زمان با گسترش بهره‌گیری از ماشین تحریر، گروه دوم طرفداران تغییر و اصلاح خط، که بیشتر آن‌ها ملهم و متأثر از علاقه‌مندان یا شاگردان فعالان دوره‌ی اول بودند، شروع به فعالیت کردند. آشنایی این گروه با اروپا و بهره‌گیری آنان از تحسیلات جدید، این‌بار نه از طریق ترکیه، بلکه از مجرای روابط مستقیم ایران و اروپا صورت گرفت. از این‌رو، بیشتر اعضای شناخته‌شده‌ی این گروه، تحصیل‌کرده‌ها یا ساکنین کشورهای اروپایی بودند که تقریباً سی تن را شامل می‌شدند و از مهم‌ترین چهره‌های آن‌ها می‌توان به غلامرضا رشید یاسمی، غلامحسین ابتهج، لطفعلی صورتگر، حسن تقی‌زاده، موسی نثری و احمد بهمنیار اشاره کرد.

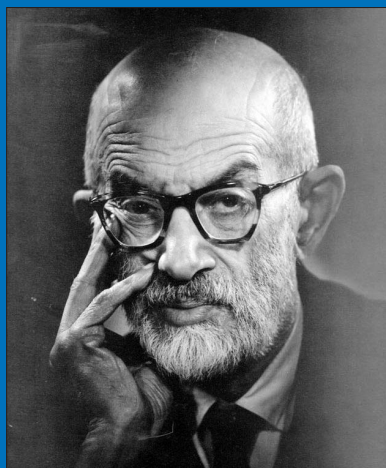
دوره‌ی سوم، که از حدود سال ۱۳۳۰ تا ۱۳۶۰ شمسی را دربر می‌گیرد، هم‌زمان بود با رواج ماشین‌های حروف چینی اینترتایپ، لاینوتایپ و مونوتایپ در ایران. طی این دوره‌ی سی‌ساله، شمار قابل توجهی از روشن‌فکران و فعالان فرهنگی، به فعالیت پیرامون اصلاح یا تغییر خط پرداختند. این گروه، که عده‌ی زیادی در حدود نود نفر را شامل می‌شدند، بحث تغییر خط را در ایران عهد پهلوی به اوج رساندند و مناقشات

مراحل پیگیری مسئله‌ی خط فارسی را می‌توان به سه دوره‌ی اصلی تقسیم‌بندی نمود. در دوره‌ی اول، هم‌زمان و همراه با رواج بحث تغییر خط در ترکیه، افرادی همانند آخوندزاده، ملکم خان، ارفع‌الدوله، طالبوف، مستشارالدوله، میرزا رضای تبریزی و چند تن دیگر در ایران متفقاً مسئله‌ی تغییر خط فارسی را مطرح نمودند. به‌ویژه در این میان، میرزا فتحعلی آخوندزاده، تحت تأثیر سخنرانی مهم منیف افندی درباره‌ی تغییر خط عربی در ترکیه، عزم سفر به استانبول نمود. آخوندزاده ابتدا رساله‌ی الفبای اختراعی خود را، که در بیست صفحه پرداخته بود، به وسیله‌ی مترجم سفارت روس به صدراعظم عثمانی، فؤاد پاشا، تقدیم کرد.^۱ صدراعظم عثمانی، شخص او را به انجمن دانش یا «جمعیت علمیه‌ی عثمانیه» راهنمایی کرد و آخوندزاده طرح الفبای خود را به انجمن عرضه داشت. اگرچه الفبای مورد نظر آخوندزاده نظر نخبگان ترک را به خود جلب کرد، اما سازمان سیاسی عثمانی عملاً هیچ اقدامی جهت نشر آن انجام نداد.^۲

یکی از مهم‌ترین پیشنهادهایی که در این دوره در زمینه‌ی اصلاح خط فارسی مطرح شد و می‌توان به آن اشاراتی نمود، پیشنهاد جدانویسی حروف در واژگان فارسی بود. در زمینه‌ی جدانویسی حروف کل کلمات خط فارسی، اگر از کوشش‌های افراد در ابداع الفبایی با تکیه بر اسلوب اهل فرنگستان، حروف مقطعه‌ی ابداع‌شده از سوی برخی از اعضای مجلس مجموعه‌ی فنون و نیز ابداعات مسیو بارب،^۳ (در لاتین‌نویسی خط فارسی و عربی) صرف‌نظر کنیم، شاید اولین کسی که به‌صورت جدی و کارساز به بحث نظری و عملی جداسازی حروف کلمات خط فارسی پرداخت، میرزا ملکم خان باشد. وی خط جدانویسی اختراعی خود را با چاپ چندین کتاب معرفی کرد. ملکم در کتاب «نمونه‌ی خطوط آدمیت»^۴ می‌نویسد:
«منبع جمیع مشکلات خط ما در اتصال حروف است. با اتصال حروف، هیچ نوع اصلاح در خط ما ممکن نیست. با جدایی حروف، جمیع معایب خط ما خودبه‌خود رفع خواهد شد. با اتصال حروف، اعراب را به‌هیچ‌طور نمی‌توان داخل کلمات ساخت. با جدایی حروف دخول، اعراب در میان کلمات خیلی سهل و امر طبیعی خواهد بود.



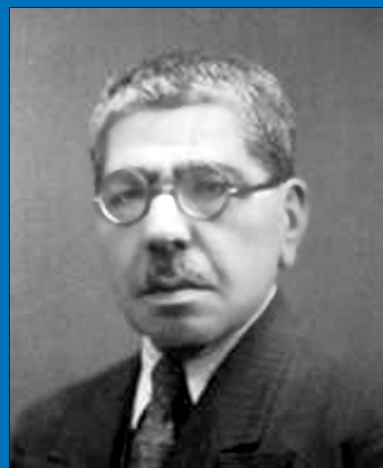
حروف را باید جدا کرد.
با اتصال حروف، دفع نقطه‌ای حروف ممکن نیست. با جدایی حروف، دفع نقطه‌ها بسیار سهل خواهد بود.
حروف را باید جدا کرد.
با اتصال حروف، دفع نقطه‌ای حروف ممکن نیست. با جدایی حروف، دفع نقطه‌ها بسیار سهل خواهد بود.
حروف را باید جدا کرد.
با اتصال حروف، دفع نقطه‌ای حروف ممکن نیست. با جدایی حروف، دفع نقطه‌ها بسیار سهل خواهد بود.
حروف را باید جدا کرد.
با اتصال حروف، دفع نقطه‌ای حروف ممکن نیست. با جدایی حروف، دفع نقطه‌ها بسیار سهل خواهد بود.



سعید نفیسی که ادیبی بلندآوازه و معتبر بود، تبدیل به یکی از پرشورترین موافقان تغییر خط فارسی شد. وی الفبایی با حروف لاتین برای زبان فارسی پیشنهاد کرد و تا پایان عمر نیز بر سر اعتقاد خود در این زمینه ماند.



یوسف خان مستشارالدوله برای اینکه بتواند بهانه را از دست مخالفان خود در زمینه تغییر خط بیرون آورد، در استفتایی از مجتهدان مصر خود از آنان تأییدیه‌ای مبنی بر عدم وابستگی دین به خط و عدم منافات تغییر الفبا با شرع گرفت.



احمد بهمنیار ادیبی متبحر، خودساخته و آزادیخواه بود که در سال ۱۳۲۳ در مقاله‌ای با عنوان «املای فارسی، پیشنهاد به مقام فرهنگستان» اصل «تطابق مکتوب و ملفوظ» را مهمترین پایه برای اصلاح خط دانست.

سال ۱۳۳۸ شمسی، سال اوج‌گیری جدال رسمی بر سر تغییر خط، میان موافقان و مخالفان این مسئله است؛ جدالی که منجر به انتشار حداقل هشتاد نوشته پیرامون مشکلات خط فارسی شد. در این سال، انجمنی به نام «انجمن اصلاح خط»، از جمعی از دانشمندان^{۱۵} به ریاست استاد سعید نفیسی، در تهران تشکیل یافت و الفبایی جدید را پیشنهاد کرد و به دنبال آن، انجمن در جراید و رادیو، توضیحاتی درباره‌ی نقص الفبای کنونی فارسی و لزوم تغییر آن ارائه داد. این انجمن، اصلاح خط فارسی را مهم‌ترین اصلاح اجتماعی در ایران می‌دانست، ولی معتقد بود که این قبیل اصلاحات مهم و اثرگذار را نباید با قوه‌ی قهریه محقق کرد، زیرا در آن صورت، واکنش مردم در برابر آن شدیدتر می‌شود و نتیجه‌ی مطلوب به دست نمی‌آید، بلکه باید زمینه‌های ذهنی لازم را جهت ترویج عمومی آن و جلب همراهی توده‌ی مردم فراهم آورد.

در سال ۱۳۴۹، فرهنگستان دوم، پس از دو دهه وقفه، مجدداً شروع به کار کرد و این در حالی بود که در همین ایام، بحث و جدل درباره‌ی اصلاح زبان فارسی، بار دیگر به سرعت در جراید و نشریاتی چون «وحید»، «یغسا» و «تلاش» مطرح شد.^{۱۶} فرهنگستان دوم کوشید تا در زمینه‌ی مسائل مربوط به خط، گام‌هایی مؤثرتر از فرهنگستان اول بردارد، اما عملاً اقدامات قابل توجه و مؤثرتری نسبت به گذشته صورت نگرفت. با پیروزی انقلاب اسلامی و انحلال فرهنگستان و تا سال ۱۳۶۹ که دستور تأسیس فرهنگستان سوم صادر شد، تمام مسائل برنامه‌ریزی زبان و خط فارسی در ایران از دستور کار برنامه‌ریزان فرهنگی خارج شد.^{۱۷}

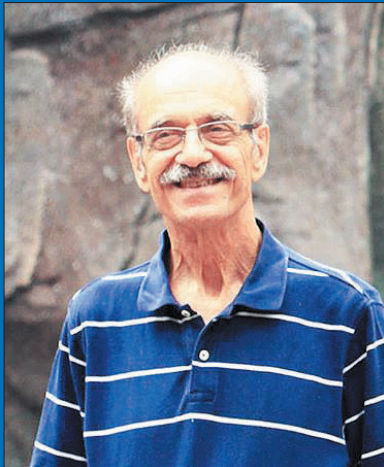
اما مرحله‌ی تازه‌ی بحث درباره‌ی شیوه‌ی نگارش در فضای پس از انقلاب، با انتشار مقاله‌ی «فراخوان به فارسی نویسان و پیشنهاد به تاجیکان»، در شماره‌ی ۷۲ مجله‌ی «آدینه» (مرداد ۱۳۷۱) آغاز شد و با تشکیل «شورای بازنگری در شیوه‌ی نگارش و خط فارسی» و انتشار مقالات متعدد در مجله‌ی «آدینه» ادامه یافت.^{۱۸} این فراخوان را ایرج کابلی انجام داده بود و در آن به تفصیل، ضمن تشریح نارسایی‌ها و مشکلات موجود در شیوه‌ی نگارش خط فارسی، توصیه کرده بود شورایی برای رسیدگی و حل این مشکلات تشکیل شود. در همین شماره‌ی مجله‌ی «آدینه»، مقاله‌ی دیگری توسط محمد صنعتی با عنوان «دشواری‌های زبان فارسی با کامپیوتر» نیز منتشر شده بود. به دنبال این امر، در ۳۱ مرداد ۱۳۷۱، نخستین نشست شورای بازنگری در شیوه‌ی نگارش و خط فارسی تشکیل شد.^{۱۹}

از آن پس، اخبار و مصوبات شورا در مجله‌ی «آدینه» منتشر می‌شد و شیوه‌ی نگارش «آدینه» نیز مطابق این تصمیمات تغییر می‌کرد. کاظم کردوانی، به عنوان دبیر این شورا، در آبان ۱۳۷۲، گزارشی از فعالیت یک‌ساله‌ی شورا ارائه داد. در این گزارش

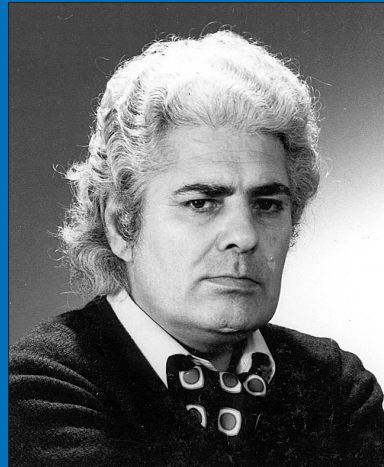
بسیاری میان طرفداران تغییر خط و مدافعان خط موجود فارسی در گرفت؛ تا اینکه سرانجام پس از انقلاب اسلامی ایران، این مشاجرات تا اندازه‌ی زیادی فروکش کرد.^{۲۰} پس از آنکه بازار بحث بر سر تغییر خط، در دوره‌ی نخست و تا اندازه‌ای در دوره‌ی دوم، در بیرون ایران و سپس در ایران بالا گرفت، شماری از روشن‌فکران و ادبا، پیشنهاد تغییر خط فارسی را مطرح کردند و برخی از دیگر هم‌قطاران آن‌ها، که تمایلی به طرح موضوع تغییر خط نداشتند، موضوع اصلاح خط را پیگیری نمودند و تلاش برای بهبود وضعیت خط فارسی را و جبهه‌ی همت خود قرار دادند.

شاید نخستین کسی که اندیشه‌ی وضع قواعدی برای سامان بخشی به خط فارسی را در ذهن پروراند و به‌طور عمومی مطرح نمود، مرحوم احمد بهمنیار، استاد فقید دانشگاه تهران، باشد که مقاله‌ی مفصل او^{۲۱} ابتدا در نامه‌ی فرهنگستان اول و سپس در مقدمه‌ی لغت نامه دهخدا منتشر شد.^{۲۲} با تأسیس فرهنگستان اول، کمیسیونی به خط و مطالعه در باب اصلاح خط فارسی اختصاص یافت،^{۲۳} اما حیات این دوره از فرهنگستان عملاً اندکی بیش از شش سال، یعنی تا سال ۱۳۲۰ (روی کاغذ تا حدود سال ۱۳۳۵)، دوام نیافت.^{۲۴} تقریباً در همین دوران، از سال ۱۳۳۱ یا ۱۳۳۲ نیز مجله‌ی «سخن» برای اولین بار مبحث اصلاح رسم‌الخط فارسی را مطرح کرد. این در حالی بود که این نشریه تا پیش از این زمان، از دگرگونی کامل خط هواداری می‌کرد. از جمله پیشنهادهای اصلاحی مجله این بود که حروف اضافه، از جمله «به»، و «را»ی مفعولی را جدا کنیم و برخی کلمات را سرهم ننویسیم. افزون بر این، مجله‌ی «سخن» زمینه را برای مباحث جدیدی در این حوزه فراهم آورد که عنوان کلی آن عبارت بود از: «چگونه باید نوشت؟» مجله در این مبحث، با طرح چهار پرسش زیر، صاحب‌نظران را به بحث درباره‌ی این موضوع فراخواند:

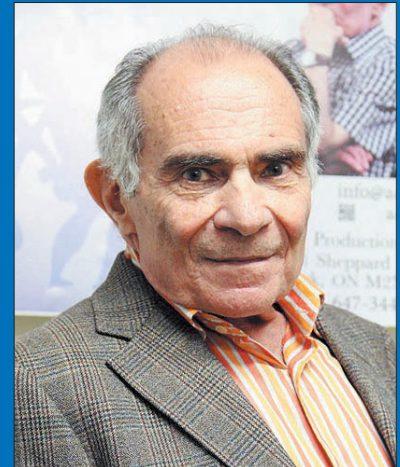
۱. آیا اتخاذ روشی واحد در نوشتن کلمات فارسی ضرورت دارد یا هرکسی بر حسب ذوق و سلیقه‌ی خود می‌تواند در این باب شیوه‌ای پیش گیرد؟
۲. اگر باید روش واحدی اتخاذ شود، آیا میزان و ملاک آن تنها باید شیوه‌ی نویسندگان و کاتبان پیشین باشد یا هرگاه ضرورت اقتضا کند، می‌توان از رسم معمول عدول کرد و شیوه‌ای مناسب پیش گرفت؟
۳. آیا شیوه‌ای که برای نوشتن نوع واحدی از کلمات پیش می‌گیریم باید در همه‌ی موارد یکسان باشد یا آنکه یک کلمه یا یک نوع کلمه را در مورد‌های مختلف به شیوه‌های گوناگون باید نوشت؟
۴. آیا چگونگی فصل و وصل کلمات در رسم‌الخط فارسی باید با قواعد دستوران زبان تناسب و ارتباط داشته باشد یا چون خط ما از عربی اقتباس شده، باید قواعد صرف و نحو عربی را در شیوه‌ی خط منظور داشت.^{۲۵}



ایرج کابلی نخستین کسی بود که پس از انقلاب پیشنهاد برپایی شورایی برای رسیدگی به مشکلات خط فارسی و ارائه راه حل برای آن داده بود. این شورا اگرچه تشکیل یافت اما پس از چندی منحل شد.



شاملو بسیاری از آثار خود را با رسم الخط و ویرایش خاص خود منتشر کرده است. پس از مرگ وی همسرش آیدا نیز به همین شیوه چاپ آثار او را ادامه می‌دهد.



محمدرضا باطنی «مسأله اصلاح خط امری است زبان‌شناسی، اقتصادی، اجتماعی، روانی، ملی و آمیختگی این جنبه‌ها، بحث آن را در هر کشوری به جدالی پرهیجان تبدیل می‌کند.»

۸. ر.ک. به: «فعالان اصلاح و تغییر خط»، کاظم استادی و نیز «خطوط اختراعی در یکصد و هفتاد سال اخیر»، کاظم استادی.
۹. برای کسب اطلاعات بیشتر درباره‌ی زندگی‌نامه، آثار و اندیشه‌های هریک از این افراد، ن.ک. به: کاظم استادی مازندرانی، فعالان اصلاح الفبا و تغییر خط، تهران، نشر علم، ۱۳۹۱.
۱۰. در بخشی از مقاله‌ی بهمنیار آمده است: مرکب مزجی در حکم مفرد است و مانند یک کلمه تلفظ می‌شود و بنابراین در کتابت هم باید به صورت یک کلمه نوشته شود و از جدا نوشتن دو جزنش، جز در مواردی که در قاعده‌ی ۴۴ ذکر می‌شود، خودداری باید کرد، مانند خاکسار، گلستان، سنگلاخ، پیشگاه... و مرکب وصفی و اضافی را مانند مرکب استادی جدا می‌نویسند، مگر در صورتی که ترکیب مقلوب باشد که متصل نویسند، مانند کتابخانه... صاحبجل، صاحبجاه و مرکب عطفی را هرگاه واوش محذوف باشد، متصل نویسند، مانند گفتگوی، جستجوی، رستخیز. ایشان طبق قواعدی، معتقدند که باید کلمات مرکب مجزا نوشته شود، از جمله وقتی که کلمه دراز شود، وقتی که زشت و بدناما شود، وقتی که خواندنش دشوار گردد، وقتی که به سبب متصل نوشتن دو حروف همجنس پهلوی هم قرار گیرد و... (املا‌ی فارسی، پیشنهاد به مقام فرهنگستان، بهمنیار، احمد، نامه‌ی فرهنگستان، س ۱، ش ۱ و ۴، سال دوم، تهران، ۱۳۲۳ و ۱۳۲۲ و نیز املا‌ی فارسی، بهمنیار، احمد، آموزش‌وپرورش، ش ۴، تهران، ۱۳۲۸)
۱۱. بهمنیار، احمد، مقدمه‌ی لغت‌نامه‌ی دهخدا و نیز ر.ک. به: زبان تازی در میان ایرانیان (پس از اسلام تا انتهای خلافت عباسیان)، قاسم توپسرکاتی، دانشسرای عالی، تهران، ۱۳۵۰.
۱۲. ر.ک. به: «فرهنگستان‌های ایران، ترکیه، هند»، مرتضی‌اسعدی، نشر دانش، ش ۲، ۱۳۶۹، ص ۱۸ تا ۲۹.
۱۳. همان.
۱۴. ر.ک. به: مجله‌ی سخن، ۱۳۸۸، به نقل از بررسی علمی شیوه‌ی خط فارسی، نازیلا خلخالی، ص ۵۶.
۱۵. از جمله دکتر نصرالله شیفته، مسعود رجب‌نیا، ابراهیم گرانفر، منوچهر امیری، یدالله رویایی، یحیی ذکا، سهیل آذری، دکتر مروستی و چند تن دیگر. ر.ک. به: تاریخچه‌ی تغییر خط، کاظم استادی.
۱۶. ر.ک. به: «فرهنگستان‌های ایران، ترکیه، هند»، مرتضی‌اسعدی، نشر دانش، ش ۲، ۱۳۶۹، ص ۱۸ تا ۲۹.
۱۷. ر.ک. به: بررسی علمی شیوه‌ی خط فارسی، نازیلا خلخالی، نشر ققنوس، ص ۵۶.
۱۸. کابلی، ایرج، درست‌نویسی خط فارسی، بازتاب نگار، ۱۳۸۴، ص ۱۶.
۱۹. ماه بعد، در شهریور ۱۳۷۱، در بخش خبرهای مجله‌ی «آدینه»، خبر «اولین نشست اصلاح رسم الخط» آمده است. طبق این خبر، شرکت‌کنندگان در این نشست، عبارت بودند از: کریم امامی، محمدرضا باطنی، ایرج کابلی، علی محمد حق‌شناس، احمد شاملو، کاظم کردوانی و دبیر تحریریه‌ی «آدینه». در همین خبر آمده است: «آدینه از آقایان محمدرضا شفیعی کلکنی، هوشنگ گلشیری، محمد صنعتی و... نیز درخواست کرده است تا در جلسه‌های این جمع شرکت کنند.»
۲۰. فهرست افراد شرکت‌کننده در این شورا: کریم امامی، محمدرضا باطنی، علی محمد حق‌شناس، احمد شاملو، محمد صنعتی، مصطفی عاصی، ایرج کابلی، کاظم کردوانی، هوشنگ گلشیری، فرج سرکوهی (فقط نشست دوم)، مسعود خیام (مدعو در نشست چهارم و پنجم). (به نقل از ویکی‌پدیا)

تأکید شده است که شورا قصد تغییر خط فارسی یا چاپ‌نویس کردن آن را ندارد. در این گزارش آمده است: «اساسی‌ترین هدف بازنگری در شیوه‌ی نگارش خط فارسی، دست یافتن به شیوه‌ای است که به کمک آزمون‌های عملی، خواندن و نوشتن فارسی را آسان‌تر کند.» در مهرماه ۱۳۷۴ نیز نخستین شماره‌ی «نامه‌ی فرهنگستان»، فصلنامه‌ی فرهنگستان زبان و ادب فارسی، به سردبیری احمد سمیعی (گیلانی) منتشر شد. پس از انتشار مصوبات شورا، مجله‌ی «آدینه» و بعضی از نویسندگان و مترجمین، آثار خود را با شیوه‌ی نگارش پیشنهادی این شورا یا شیوه‌ی نزدیک به آن منتشر کردند. احمد شاملو مجموعه‌ی آثار خود را، به همت نیاز یعقوب‌شاهی، با شیوه‌ی نگارش جدید ویراستاری کرد و رمان «دن آرام» نیز با کمک شهریار، با این شیوه منتشر شد. پس از درگذشت شاملو، آیدا سرکیسیان همچنان آثاری را با شیوه‌ی نگارشی مورد علاقه‌ی شاملو منتشر می‌کند. با درگذشت شماری از اعضای شورا و اقامت برخی از آن‌ها در خارج از کشور، شورا عملاً تعطیل شد و نتوانست مصوبات خود را پیگیری کند و نواقص احتمالی آن را برطرف نماید. البته ایرج کابلی با انتشار کتاب «درست‌نویسی خط فارسی» و ایجاد وب‌گاهی اختصاصی می‌کوشد تا فعالیت‌های شورا را به سرانجامی برساند.^{۲۰}

پی‌نوشت‌ها:

۱. این نوشته تلخیص و اقتباسی است از مجموعه‌ی چند نوشته که آقای کاظم استادی، پژوهشگر کوشا و فعال عرصه‌ی خط، سخاوتمندانه در اختیار نشریه قرار داده‌اند و به نشریه اجازه داده‌اند تا برطبق سلیقه و مقتضیات خود، مطلب را ویرایش و بازنویسی کند. از ایشان سپاسگزاریم.
۲. ر.ک. به: بیوگرافی خودنویس آخوندزاده، فتحعلی آخوندزاده، مکتوبات، نامه‌های کمال‌الدوله به شاهزاده جمال‌الدوله.
۳. اما در مقابل، دولت عثمانی وی را مفتخر به دریافت نشان رتبه‌ی چهارم، یک قطعه نشان پادشاهی مجیدی و لوح تقدیر گران قدر شهریار نمود. به هررو، آخوندزاده بدون گرفتن نتیجه‌ی مشخصی، از استانبول به قفقاز بازگشت. ر.ک. به: یحیی‌آرین‌پور، از نیما تا روزگار ما، زوار، تهران، ۱۳۸۷، ج ۳، بخش تغییر خط فارسی.
۴. مسیو یارب، ناظر مدرسه‌السنه شرقیه وین، در سال ۱۲۳۹ش، خطی برای خط اسلام، به لاتین اختراع نمود و چند کتاب فارسی و عربی را به همان خط دروین منتشر کرد.
۵. ر.ک. به: ملکم‌خان و نمونه‌ی خطوط آدمیت، کاظم استادی، مجله‌ی بهارستان، بهار ۱۳۹۱.
۶. ملکم‌خان، نمونه‌ی خطوط آدمیت، مطبعه‌ی ترقی، لندن، به سال ۱۲۰۳ق، مطابق با ۱۲۶۳ش، در ۶۱ صفحه، با حروف چینی سربی، ص ۱۹ تا ۲۱.
۷. همان، ص ۴۷ و ۴۸.
۸. برای اطلاع بیشتر از فعالیت‌های وی پیرامون خط فارسی، رجوع کنید به کتاب «ملکم‌خان و تغییر خط»، به کوشش نگارنده، که در ۲۴۰ صفحه تنظیم شده است.